

به نام خداوند جان و خرد



هنر ساسانی عمدتاً تکامل یافته و متحول شده در راستای اندیشه های دینی و سنت گرایي ایرانی است.

گرچه گاه و بیگاه عناصر هلنیستی به جای مانده از دوره پیش از روی کار آمدن ساسانیان و نشانه هایی از جاذبه های هنری رومیان و حتی مظاهر هنری اقوام و مردمان آسیای میانه هر چند اندک در آثار هنری ساسانیان دیده می شود، معذالک زمینه های اصلی هنر همان سنن ایرانیان و دین گرایي ساسانیان است که هنرمندان در محدوده آن آثار خود را می آفریدند .

پادشاهان ساسانی در تاریخ ایران باستان بزرگترین و فعال ترین شهرسازان بوده اند. در قلمرو موسیقی، کشف، ساختن و نواختن ابزار و ادوات متعلق به این هنر، ساسانیان هیچ گونه کاستی نداشته اند. در سنگ فرشهای کف بناهای مهم اوج هنر نقش پردازی و ابتکار هنر آفرینی هنرمندان ساسانی دیده می شود. بی هیچ تردیدی عناصر و نشانه ها و سبکهای هنری ساسانی همراه با ابزار متعلق به آن به مغرب زمین منتقل شده و مورد بهره برداری و تقلید قرار گرفته اند. بزرگترین سهم از این موارث به اسلام تعلق گرفت و با فروپاشی و پایان کار ساسانیان هنر باستانی و فرهنگ سنتی ایرانی نیز به پایان خود رسید.

آنان سازندگان کاخها، برجها و باروها، ارگها و آتشکده ها و سایر اماکن سیاسی، فرهنگی و دینی بوده اند که این بناها را با سنگهای آهکی در ابعاد هندسی، موزائیک و کاشیهای الوان و خوش نقش و نیز

تصاویر زیبا و پرمفهوم به ویژه بخشهای داخلی و اندرونی این بناها را زینت می داده اند. آنها به موجب سنن و آیینهای کهن در جاودانی کردن خود در آثار هنری با نقوش صخره ای که دور تا دور آنها را تصاویر زیبای هنری فراگرفته و نیز در هنر ساختن ظروف و کوزه ها، خمره های منقوش، در سنگهای ظریف و زیبا، پارچه های خوش رنگ با نقوش شاد و پرمعنا که بیان کننده صحنه های جنگ، شکار، اعیاد و مراسم و شادمانیها هستند و نیز در هنر فرش با تصاویر و صحنه های زیبا، منتهای توان هنری با پیشرفته ترین ابزار و امکاناتی که هنرمندان آن روزگار در اختیار داشتند، می کوشیدند.

[۳] به مرور زمان پس از سقوط دولت ساسانی، هنر این مقطع از تاریخ ایران به تدریج علیرغم نبودن هیچ گونه اندیشه هنری به سبک و شیوه عصر ساسانی، پایگاه رفیع خود را بازیافت و در دوران خلفای عباسی به ویژه به گونه ای علاقمندانه ولی نه ماهرانه و استادانه مورد استقبال و تقلید ناشیانه هنرمندان وقت قرار گرفت. تصور از هنر ساسانی به گونه ای چشمگیر وجود داشت و اذهان هنرمندان خالی از معرفتهای هنری هنرمندان ایران ساسانی نبودند ولی خلا زمانی و عوامل دیگر موجب شده بود که آن خلاقیتها و ابتکارها با حاکمیت ساسانیان همزمان به فراموشی سپرده شوند. ایرانیان در هر مقطع زمانی بر این باور بودند که هنر ایرانی مغلوب هیچ هنری به ویژه هنرهای وارداتی نشده است و خمیرمایه ابتکار هنری هنرمندان ایرانی در درجه نخست اندیشه ایرانی بودن آنان است. به سخن دیگر اصالت هنر ایرانی در اولویت نخست قرار داشت.

یک محقق و یا مورخ نمی تواند به طور کامل تصویری از چگونگی و میزان و مقیاس انهدام آثار هنری بازمانده از سلسله ساسانی داشته باشد تا بتواند وسعت و عمق این میراث را به درستی درک کند و دریابد که هنر ساسانی در عصر عظمت این سلسله چه اعتبار و عظمتی داشته است. از بقایای آثار معماری بیشمار عصر ساسانی تنها خرابه های چند شهر هم اکنون باقی است که این خود بازتاباننده همت زمام دارانی از آن دوره است که در ساختن شهرها و تأسیس سایر بناها و آثار معماری پایمردی کرده اند و به خاطر عمق فاجعه انهدام و ویرانی نمی توان تصویری از این آثار را در ذهن مجسم کرد. شهر گور [۴] (فیروز آباد کنونی) که به وسیله شاهان متقدم ساسانی ساخته شده است پیشتر اردشیر خوره [۵] نام داشته است.

قالب و نوع معماری نشان دهنده فرم دایره ای یا مدور پارتی معماری در هنر شهرسازی است. شهر شاپور خوره [۶] که در عصر شاپور یکم [۷] پسر و جانشین اردشیر یکم (بابکان) [۸] در مسیر شاهراه فیروز آباد به شوش بنا شده است، بیشاپور [۹] نیز نام داشته است و سبک معماری آن «چهار گوش» [۱۰] و یا به سخن دیگر «مربعی» [۱۱] است. این بنا به احتمال زیاد پس از پیروزی شاپور بر والرین [۱۲] قیصر روم ساخته شده. از بیشاپور دو شاهراه بزرگ در عهد باستان منشعب می شده که

این نشانه تاکنون حفظ شده است. این دو شاهراه به جای مانده که در طول تاریخ آسیبهای زیادی نیز دیده است، به صورت یک زاویه قائمه به هم می رسند. در این نمونه نشانه های تأثیر گذاری هنر شهرسازی غربی بر هنر ساسانی به خوبی نمایان است.

این گمان که اسیران جنگی رومی در ساختن شهر بیشاپور و راههای پیرامون آن نقش اساسی داشته اند، به واقعیت بسیار نزدیک است. شاپور یکم متناسب با توان و تخصص اسیران رومی آنها را بکار می گرفت، چنان که بزانش (بازانس) [۱۳] مهندس سدسازی رومی که در شمار این اسیران بود، در ساختن سد شوشتر یا سد قیصر در خوزستان بکار گرفته شد. [۱۴] افزون بر این از بقایای آثار هنری ساسانی، با استناد، توجه به مطالعه ویرانه های کاخها و نشستگاه شاهان آن سلسله که از آوارها بیرون آورده شده اند، می توان به عظمت هنر معماری این سلسله پی برد.

پایه و اساس بسیاری از سبکها، قوالب و فرمهای هنری ساسانی بی هیچ تردیدی پارسی (اشکانی) است و نقش و تأثیر هنر معماری هخامنشی در آثار معماری ساسانی بسیار اندک بوده است. برای تأیید این نظر می توان ویرانه های به جای مانده از آثار هنری هخامنشیان به ویژه در عرصه معماری در تخت جمشید [۱۵] (پرسپولیس) و فارس [۱۶] ملاحظه کرد. از همه انواع و سبکهای هنری معماری ساسانی البته نمونه های قابل ملاحظه و مطالعه ای در دست نیست، مثلاً از سبکهایی که در آنها از سنگهای ساختمانی چهارگوش، ستونهای ساختمانی، و شیوه های پلکان سازی و به ویژه نمونه هایی که بتوان افزون بر سبکهای معماری روی مصالح ساختمانی بکار گرفته شده نیز مطالعه کرد. [۱۷]

[3]. Randa, A.: A.a.O. 757, sp. 1031 des gleichen Buchs.

[4]. Gur, (Die heutige Stadt Firuzabad).

[5]. Ardasir-Khurrah.

[6]. Sapur-Khurrah.

[7]. Sapur I (241-272 n.ch).

[8]. Ardasir I (226-241 n.ch).

[9]. Bisapur (Besapur).

[10]. Viereckig.

[11]. Quadratisch.

[12]. Valerianus.

[13]. Bazanes (Bazanus).

[14]. خدادادیان، اردشیر: شوشتر، جندی شاپور در پژوهشنامه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۷۲

[15]. Persepolis.

[16]. Persis.

[17]. Randa, A.: A.a.O.SP.758, 276.

منابع نوشته:

کتاب تاریخ ایران در دوره ساسانیان، اثر دکتر اردشیر خدادادیان

Parsiandej.ir

پارسیان دژ